

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۲

هزار و سیصد و نود و دو - نیمسال دوم

۵	• بسترهای بروز ابزارگرایی کیفری محمدجعفر حبیب‌زاده، حامد رحمانیان
۲۵	• اجرا و شناسایی آثار احکام دادگاه‌های کیفری بیگانه در قلمروی ایران علی خالقی - مانده میرشمس شهشهانی
۴۳	• تهدید به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه سیدقاسم زمانی
۶۹	• مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی در عرصه داخلی قاسم محمدی - علیرضا خانی‌زاده
۸۵	• جرایم دخالت در اموال تاجر ورشکسته؛ آثار کیفری و حقوقی حسین سیمایی صراف - محمد خلیل صالحی
۱۱۱	• نقش عرف در تحلیل مولفه روانی جرم و عوامل زوال مسئولیت کیفری محسن برهانی - عطیه پارسایان





http://jcl.ac.ir/article_43071.html

اجرا و شناسایی آثار احکام دادگاه‌های کیفری بیگانه در قلمروی ایران

علی خالقی* - مائده میرشمس شهشهانی**

چکیده:

اصولاً شناسایی اعتبار برای احکام دادگاه‌های کیفری بیگانه یک نوع همکاری کیفری بین‌المللی به‌شمار می‌رود که در قالب موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه یا قوانین داخلی ناظر بر استرداد، انتقال محکومان، منع محاکمه مجدد، اجرای مجازات و معاضدت قضایی در امور کیفری صورت می‌گیرد؛ اما این اعتباربخشی، از دیرباز با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بوده و در ایران نیز با برخی محذورات شرعی مواجه است. در این مقاله، ضمن مطالعه مبانی و انواع یکی از جنبه‌های این شناسایی، یعنی اجرای احکام کیفری بیگانه و قبول آثار آنها، جایگاه آن را در نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار داده و خواهیم دید که از این نظر، حکم کیفری بیگانه تنها در مواردی خاص و به اقتضای ضرورت و مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران، مورد شناسایی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

اعتبار احکام بیگانه، اجرای احکام خارجی، آثار احکام بیگانه، انتقال محکومان، استرداد، همکاری بین‌المللی.

مقدمه

مقابله با بزهکاری فراملی مستلزم اتخاذ سازوکارهای مؤثری است که جز با همکاری دولت‌ها با یکدیگر به نتیجه نمی‌رسد. یکی از طرق این همکاری، شناسایی اعتبار احکامی است که از سوی دادگاه‌های کیفری سایر کشورها صادر می‌گردد. این اعتباربخشی به حکم کیفری خارجی به معنای شناسایی و به رسمیت شناختن محتویات، آثار و نتیجه نهایی حاصله از آن حکم است. این اعتبار نیز اعم از اعتبار ایجابی (مثبت) یا سلبی (منفی) است. شناسایی اعتبار ایجابی یا مثبت حکم یعنی قبول اجرای مجازات و آثار مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از آن، و شناسایی اعتبار سلبی یا منفی حکم یعنی قبول عدم رسیدگی دوباره به موضوع یا به تعبیر دیگر پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد.

در این نوشتار، تنها جنبه مثبت یا ایجابی اعتبار احکام دادگاه‌های کیفری بیگانه^۱ مورد بررسی قرار گرفته و ضمن مطالعه مبانی نظری و انواع آن، موقعیت حقوق ایران در این زمینه را بررسی خواهیم نمود تا از این رهگذر با موانع شناسایی آن و راهکار رفع آنها آشنا شویم.

فصل اول - مبانی نظری

به‌طور سنتی، از دیرباز اصل بر عدم اعتبار حکم کیفری دادگاه بیگانه بوده است. توجیه این مطلب با استناد به اصل حاکمیت ملی انجام می‌گیرد که اعمال قوانین کیفری در قلمروی هر کشور ترجمان بارزی از آن است.^۲ اصل عدم اجرای احکام کیفری خارجی نه تنها در کشورهای دارای نظام حقوق نوشته،^۳ بلکه در الگوی سنتی کشورهای پیرو نظام کامن‌لا هم پذیرفته شده است.^۴ اما، این اندیشه به تدریج تحت تأثیر اندیشه منافع جمعی و اسناد بین‌المللی انعطاف بیشتری پیدا کرده و ضرورت همکاری بین‌المللی مبنای اعتباربخشی به حکم کیفری بیگانه قرار گرفته است.

بر این اساس، به‌طور کلی می‌توان در مورد اعتبار احکام کیفری دادگاه‌های بیگانه دو رویکرد را مشاهده نمود: رویکرد مبتنی بر عدالت و رویکرد مبتنی بر ضرورت. بر اساس رویکرد اول، یک نظام قضایی از چنان عدالتی برخوردار است که حتی اگر متعلق به نظم حقوقی خارجی هم باشد، با نظام قضایی داخلی تفاوتی ندارد و حکم صادره از آن بسان حکم صادره از نظام قضایی داخلی است. نظام قضایی مجموعه‌ای منظم از سازوکارهای قضایی رسیدگی و صدور حکم

۱. گفتنی است که در این مقاله منظور از احکام، احکام کیفری، نه احکام ضرر و زیان — و منظور از دادگاه‌های بیگانه — دادگاه‌های غیرایرانی، اعم از دادگاه‌های متعلق به کشوری دیگر یا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است.

2. Bassiouni, 2008, p. 507.

3. Koering-Joulin et Huet, n° 124; Levasseur et Decocq, n° 10 et s.; Bouzat, 1963, p. 96; Lombois, 1979, n° 396.

4. Mc Clean, 2002, p. 365.

است که کشورها با به رسمیت شناختن آن، حکم صادرشده در این نظام را نیز معتبر می‌دانند. در تقابل با آنچه که از آن به‌عنوان رویکرد مبتنی بر عدالت یاد کردیم، رویکرد دیگری بر اساس نظریهٔ ضرورت پایه‌ریزی شده است. بر مبنای این رویکرد، اصولاً یک کشور، نظام قضایی کشور دیگر را به رسمیت نمی‌شناسد و در نتیجه حکم صادره از آن را نیز معتبر نمی‌داند، اما بنا بر ضرورت، در مواردی استثنایی، نتایج حاصل از حکم کیفری آن را مورد شناسایی قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، با وجود اینکه موضع دولتی، عدم شناسایی حکم کیفری صادره از دادگاه‌های بیگانه است، اما تحت شرایطی، مجازات مقرر در آن حکم را اجرا می‌کند یا تقاضای استرداد مبتنی بر آن را می‌پذیرد. ضرورت مذکور از لزوم همکاری کشورها در مقابله با پدیدهٔ بزهکاری و مبارزه با بی‌کیفری ناشی می‌گردد. رویکرد اول میان کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا و رویکرد دوم از طرف بسیاری دیگر از کشورها از جمله ایران و کشورهای عضو موافقتنامه ریاض^۱ اتخاذ گردیده است.^۲

در کشور ما، با توجه به دیدگاه سنتی مورد اشاره و برخی مسائل شرعی، اصل بر عدم شناسایی اعتبار احکام کیفری بیگانه بوده و تنها در مواردی که مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران اقتضا نماید، قانونگذار مقرراتی را برای شناسایی اعتبار احکام مذکور به تصویب رسانده است. برای بررسی وضعیت در حقوق ایران، ابتدا مبانی عدم اعتبار حکم کیفری بیگانه (مبحث اول) و سپس مبانی تغییر این رویکرد، با عنوان مصلحت (مبحث دوم)، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث یکم - عدم اعتبار با تکیه بر موازین شرعی

نظام حقوق کیفری اسلامی حاوی جرایم و مجازات‌های شرعی و نظام دادرسی مبتنی بر احکام شرعی است و به همین دلیل کمترین تمایل را به شناسایی اعتبار احکام کیفری صادره از نظام حقوقی فاقد این شرایط دارد. برای درک بهتر این عدم تمایل، ویژگی‌های نظام دادرسی (گفتار اول) و نظام قانونی (گفتار دوم) ملهم از فقه اسلامی را به اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. Riyadh Arab Agreement for Judicial Cooperation, 6 April 1983.

موافقتنامهٔ ریاض در زمینهٔ همکاری قضایی در سال ۱۹۸۳ از طرف کشورهای الجزایر، بحرین، عراق، اردن، لیبی، مراکش، عمان، عربستان سعودی، سوریه، تونس، یمن و امارات متحده عربی منعقد شده است.

۲. بند (ب) مادهٔ ۲۵ این کنوانسیون «شناسایی» حکم کیفری بیگانه را ممکن نمی‌داند، در حالی که بررسی بیشتر معاهده نشان می‌دهد که «اجرای» مجازات حبس صادره از سوی یکی از کشورهای عضو با رعایت شرایطی در کشور دیگر عضو امکان‌پذیر است. مادهٔ ۵۵ این کنوانسیون به اجرای مجازات حبس در مواردی اشاره دارد که محکوم در قلمروی کشور اجراکننده حضور دارد و نیازی به استرداد یا انتقال وی نیست. در مقابل، مادهٔ ۵۸ به اجرای مجازات علیه محکومین در داخل کشورشان اشاره دارد.

گفتار اول - نظام دادرسی متکی بر موازین شرعی

هر نظام حقوقی شرایط و ویژگی‌های خاصی را برای نظام دادرسی خود در نظر می‌گیرد. نظام حقوقی اسلام نیز از این قاعده مستثنا نیست و بر اساس مقررات آن، آیین رسیدگی و مقام رسیدگی‌کننده باید از ویژگی‌های خاصی برخوردار باشند. تنها رأی صادر شده در چنین نظام دادرسی قابلیت اجرا دارد. غیر از خصایل اخلاقی مندرج در نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر، سایر شرایط قاضی عبارت‌اند از علم (اجتهاد)، بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، ذکوریت، طاهرالولادت، کتابت، بصر، حریت. این شرایط مورد اتفاق فقهای شیعه است.^۱ بعضی از شرایط قاضی مانند علم (اجتهاد)، عقل و عدالت، شرط صحت و نفوذ حکم است و بدون آنها حکم او صحیح نخواهد بود. برخی دیگر از شرایط، شرط صحت و نفوذ حکم نیست و بدون آنها نیز حکم صادره نافذ است: مانند کتابت، بصر، سمع، حریت و ...^۲.

قانون اساسی کشورمان در اصل ۱۶۳ خود اعلام نموده است که صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود. قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۱ در این راستا تصویب شده که بر اساس آن، قضات از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند و این شرایط عبارت‌اند از: ایمان، عدالت، تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی، وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، طهارت مولد، تابعیت ایران، انجام خدمت وظیفه یا دارا بودن معافیت قانونی، صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر، دارا بودن اجتهاد به تشخیص شورای عالی قضایی و یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضایی. از جمله مستندات فقهی منع مراجعه به قاضی کافر، قاعده نفی سبیل است. قاعده نفی سبیل برگرفته از آیه شریفه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء^۳ و به معنای نفی سلطه کافران بر اهل ایمان است.^۴ بر اساس این قاعده، دولت‌های کافر در هیچ زمینه‌ای حق تسلط بر دولت اسلامی را ندارند و هر نوع رابطه‌ای که به سلطه کافران بر مسلمانان بینجامد؛ باطل است. این قاعده بر عزت و استقلال تام دولت اسلامی تأکید دارد.^۵ آیه شریفه ۶۰ سوره مبارکه نساء^۶ نیز دلالت بر منع مراجعه به طاغوت به منظور دادخواهی دارد.

۱. مه‌ری آقاجانی، «شرایط و صفات قاضی از دیدگاه فقه اسلامی»، فصلنامه ندای صادق ۱۰ (۱۳۷۷)، ۲۴-۳۲.

۲. همان، ۳۱.

۳. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

۴. حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۷، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی (تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق)، ۳۷۶.

۵. محسن اسماعیلی و سیدمحمد مهدی غمامی. «مطالعه فقهی - حقوقی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی: بررسی تطبیقی در جمهوری اسلامی ایران». مجله حکومت اسلامی ۴ (۱۳۸۹)، ۱۷.

۶. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»؛ آیا ننگری به حال آنان که به گمان (و دعوی) خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو

گفتار دوم - نظام تقنینی متکی بر موازین شرعی

بر اساس فقه اسلامی، مجازات‌ها به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات شرعی تقسیم و در خصوص جرایم پیش‌بینی شده در شرع، اعمال می‌شوند. همین ریشه فقهی و شرعی جرایم و مجازات‌ها در حکومت اسلامی و ناممکن بودن تخطی از مقررات مربوط به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات شرعی، از دیگر دلایل مورد استناد در عدم اجرای احکام کیفری خارجی است؛^۱ یعنی احکامی که اصولاً مستند به این مقررات صادر نشده‌اند. با این حال می‌توان گفت که در خصوص مجازات‌هایی که دولت در خصوص جرایم فاقد ریشه شرعی وضع می‌نماید، اعمال شیوه‌های جدید همکاری بین‌المللی از جمله اجرای حکم کیفری بیگانه، با مانع و مشکلی مواجه نیست.

در مورد شناسایی اعتبار احکام دادگاه‌های کیفری بین‌المللی می‌توان به آرای صادره از دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان مرجع دائمی رسیدگی به جنایات بین‌المللی اشاره نمود. با این توضیح که آراء صادره از دیوان برای ۱۲۳ عضو آن معتبر است و اجرای مجازات مقرر در حکم نیز توسط کشورهای عضو داوطلب این امر صورت گیرد.^۲ در عین حال، تعدادی از کشورها علی‌رغم امضای اساسنامه هنوز آن را به تصویب نرسانده‌اند و برخی دیگر از کشورها، از جمله چین و هند، نیز هنوز اساسنامه را امضا نکرده‌اند. پاره‌ای از این کشورها صلاحیت دیوان در رسیدگی به جرایم بین‌المللی و در نهایت حکم صادره از آن را به رسمیت نمی‌شناسند. توجیهاات و دلایل کشورهای اخیر در نپیوستن به اساسنامه دیوان، بعضاً مربوط به تعارض مقررات داخلی و اصول اساسی حقوقی آنها با مفاد اساسنامه دیوان است. ایران یکی از کشورهایی است که با تامل در مسأله مغایرت مقررات اساسنامه با موازین شرعی و اصول قانون اساسی، تاکنون اقدام به تصویب آن ننموده است و به دلایل پیش‌گفته آرای صادره از آن را نیز به رسمیت نمی‌شناسد.^۳ با این

فرستاده شده آورده‌اند، چگونه باز می‌خواهند داوری به طاغوت برند در صورتی که مأمورند که به طاغوت کافر شوند؟! و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند، گمراهی دور (از هر سعادت).

۱. یکی از ایرادهای رایج بر مفاد معاهدات همکاری ایران با سایر کشورها همین نکته است. برای مطالعه در این خصوص نک: مرکز تحقیقات شورای نگهبان (گردآورنده)، (۱۳۹۱)، مجموعه نظریات شورای نگهبان (در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم، خرداد ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۳)، زیر نظر غلام‌حسین الهام، تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۷۴۰-۷۴۳.

۲. برای مطالعه پیرامون مقررات داخلی کشورهای عضو اساسنامه و چگونگی همکاری آنها با دیوان مراجعه کنید به: *The Rome Statute and Domestic Legal Orders (Constitutional Issues, Cooperation and Enforcement)*, Vol.2, Edited by Claus KreB, Bruce Broomhall, Flavia Lattanzi, Valeria Santori, Nomos Verlagsgesellschaft Publisher, Baden- Baden, 2005.

۳. برای بیشتر در خصوص دلایل عدم تصویب اساسنامه دیوان از سوی دولت ایران مراجعه فرمایید به: اسحاق آل حبیب، دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۷۸) و برای مطالعه تفصیلی رویکرد کشورها (دولت‌های عضو و غیرعضو) در همکاری با دیوان و تجربیات آنها، نک:

حال، در سال‌های اخیر لزوم همکاری ایران با دادگاه‌های بین‌المللی مورد توجه مقامات کشورمان قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در ماده ۸۵ لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی - که وزارت دادگستری با مشارکت اداره کل تدوین لوایح و مقررات معاونت حقوقی قوه قضاییه تهیه و به مجلس تقدیم نموده - آمده است: «در تمام مواردی که به موجب مقررات، جمهوری اسلامی ایران با دادگاه‌های بین‌المللی همکاری می‌نماید، حسب اقتضاء ترتیبات استرداد مجرمان، معاضدت قضایی و انتقال محکومان به شرح پیش‌بینی شده در این قانون لازم‌الاجرا می‌باشد.»

مبحث دوم - اعتبار به‌عنوان جلوه‌ای از مصلحت

در دو دهه اخیر شاهد روند رو به رشد امضای معاهدات همکاری قضایی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها هستیم. موادی از اغلب این معاهدات، اعم از معاهدات همکاری قضایی به معنای اخص و استرداد مجرمین و انتقال محکومان، بعضاً از سوی شورای نگهبان مورد ایراد قرار گرفته‌اند. اهم دلایل شورای نگهبان برای اعلام خلاف شرع بودن معاهدات و توافقتنامه‌های مذکور، پیش‌بینی اجرای احکام دادگاه‌های خارجی است که از سوی نظام قضایی غیر اسلامی و برخلاف شرع مقدس اسلام صادر شده‌اند. به‌عنوان نمونه، شورای نگهبان در خصوص لایحه معاهده انتقال محکومان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت آکراین در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۹/۲۲ چنین اعلام نظر نموده است: «همان‌گونه که در موافقتنامه‌های مشابه دیگر اظهار نظر شده است، این لایحه از این جهت که اطلاق بسیاری از مواد آن، اعمال مقررات غیر منطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز مواد متعددی از جمله بند ۴ ماده ۱۲، ماده ۱۳، بند ۲ ماده ۱۵ مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضاییه آکراین و نیز ارجاع کارهای قضایی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد می‌باشد که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها ولو برخلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد.»^۱ با این حال، به دلیل اصرار مجلس بعد از مخالفت شورای نگهبان در این موارد، شاهد تصویب اکثر این معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و هستیم. حال باید مفهوم مصلحت را که مبنای شناسایی حکم کیفری بیگانه و تصویب معاهدات مذکور قرار گرفته؛ بررسی نمود.

Stanislas Horvat (Editor), (2003), *Compatibility of National Legal Systems with the Statute of the Permanent International Criminal Court (ICC)*, Vol. 1 & 2, Sixteenth International Congress, Rome (Italy) 1-5 April 2003, Print house defense, Brussel.

۱. مرکز تحقیقات شورای نگهبان ۹۳۲ (۱۳۸۹).

«وقتی سخن از مصلحت شخص یا امت به میان می‌آید ... ایجاد نظم و اعتدال و رفع نقص مراد است که مقابل آن، مفسده است. مصلحت خیر و صلاحی است که بر فعل مترتب می‌شود.»^۱ مصلحت در قالب حکم حکومتی قابلیت طرح می‌یابد و می‌تواند استثنایی بر احکام اولیه باشد؛ لذا در ابتدا باید توضیح داد که «حکم حکومتی حکمی است که بر اساس مصالح اجتماعی در حوزه ولایت ولی امر، به صورت مستقیم توسط خود ولی امر یا غیرمستقیم توسط قوای مقننه و قضاییه و مجریه برای اداره جامعه اسلامی و حل مشکلات مردم و تنظیم امور، وضع و جعل می‌شود و تابع شرایط زمان و مکان می‌باشد که از این قسم احياناً تعبیر به حکم عمومی و اجتماعی و یا قوانین دولتی نیز می‌شود.»^۲

پرسش این است که آیا می‌توان با توسل به مفهوم مصلحت قایل به اعتبار حکم کیفری بیگانه شد؟ در پاسخ به این پرسش باید دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص معاهدات مربوطه را مورد بررسی قرار داد. همان‌طور که گفته شد مفاد اکثر معاهدات انتقال محکومان با ایراد شرعی شورای نگهبان مواجه گردید و به اقتضای ضرورت تصویب، مجلس شورای اسلامی با اصرار بر نظر خود، به ارجاع مورد به مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام و این مجمع حسب وظیفه محوله و با تشخیص ضرورت و مصلحت، معاهدات مورد بحث را تصویب نمود. از جمله این معاهدات می‌توان به دو قانون موافقتنامه انتقال محکومان به حبس بین جمهوری اسلامی ایران با جمهوری افغانستان و دولت قطر و قانون موافقتنامه استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری هند اشاره کرد. در نتیجه به نظر می‌رسد بتوان قایل بر آن بود که اعتباربخشی به حکم کیفری بیگانه در قسمتی (اجرای مجازات حبس در قالب انتقال محکومان) از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان مصداقی از مصلحت تشخیص داده شده است.

فصل دوم - اجرا و قبول آثار به‌عنوان شناسایی

دولت‌ها در شناسایی اعتبار مثبت یا ایجابی حکم کیفری بیگانه شیوه‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند. معمولاً اثربخشی از طریق اجرای حکم صادره (اجرای مجازات مقرر در حکم و گاه سایر تدابیر) و یا شناسایی آثار حکم صورت می‌گیرد. در این فصل و در دو مبحث، شناسایی اعتبار از طریق اجرای حکم (مبحث اول) و شناسایی آثار ناشی از حکم (مبحث دوم) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. علیرضا صابریان، «مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی»، مجله فقه و مبانی حقوق ۸ (۱۳۸۶)، ۸۸.

۲. فرج بهزاد و کیل‌آباد، «حکم حکومتی و مبانی استنباط آن»، مجله آموزه‌های فقهی ۲ (۱۳۸۸)، ۵۱.

مبحث یکم - شناسایی اعتبار از طریق اجرای حکم

مهم‌ترین و قوی‌ترین شکل اثر بخشی به حکم بیگانه، اجرای آن است. اجرای حکم از طریق اجرای مجازات مندرج در آن و یا سایر تدابیر مقرر در حکم صورت می‌گیرد.

گفتار یکم - اجرای مجازات

مجازات مقرر در حکم کیفری می‌تواند اشکال مختلفی از جمله سلب حیات، حبس، جزای نقدی، توقیف و مصادره اموال و یا انفصال از شغل داشته باشد. مجازات حبس در دوره کنونی یکی از مجازات‌های رایج و مشترک در میان نظام‌های حقوقی است و در نتیجه کشورها به اجرای مجازات حبس صادره از محکمه بیگانه تمایل بیشتری دارند و اصولاً مجازات‌های مورد اختلاف از جمله مجازات‌های بدنی و سالب حیات را اجرا نمی‌نمایند. در بند اول از این گفتار به بررسی اجرای مجازات حبس مقرر در حکم صادره از دادگاه بیگانه، به عنوان یکی از رایج‌ترین انواع همکاری، پرداخته می‌شود و در بند دوم اجرای سایر مجازات‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند یکم - اجرای مجازات سالب آزادی

اجرای مجازات حبس یا مستلزم انتقال محکوم علیه به کشور اجراکننده است و یا به دلیل حضور وی در این کشور، نیازی به انتقال وجود ندارد. انتقال محکومان به حبس یکی از شیوه‌های همکاری است که موضوع معاهدات بین‌المللی متعددی قرار گرفته است. در این شیوه فردی که به دلیل ارتکاب جرم در یک کشور محاکمه و محکوم شده است، به کشور دیگری منتقل می‌شود تا مجازات حبس خود را در آنجا سپری نماید. کشور اجراکننده مجازات می‌تواند کشور متبوع محکوم یا کشور محل اقامت وی باشد.^۱

در دو دهه اخیر کشور ایران با کشورهای عراق، تایلند، افغانستان، هند، قطر، سوریه، آذربایجان و اوکراین معاهده انتقال محکومان را به امضا رسانده و در نتیجه، اجرای مجازات سالب آزادی مقرر در احکام دادگاه‌های این کشورها را به روشنی پذیرفته است. در واقع، در همین راستاست که تبصره ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز پس از اعلام مرور زمان مجازات، مقرر نموده است: «احکام دادگاه‌های خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد.»^۲ اگر چه در این باره گفته شده که چنین مقرراتی در

۱. برای مطالعه بیشتر نک: علی خالقی، «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری خارجی در ایران»، در جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل (تهران: شهردانش، ۱۳۹۲، چاپ سوم)، ۲۶۷.

۲. مفاد تبصره فوق به این شکل در تبصره ۲ ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تکرار شده است: «مرور زمان اجرای احکام دادگاه‌های خارج از کشور درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده است.»

قوانین داخلی ایران به تصویب نرسیده‌اند و «این تبصره حکمی است کلی و بدون مصداق یا به عبارت دیگر حکمی است مشروط که شرط آن تحقق نیافته است؛ زیرا مقرراتی در زمینه پذیرش حکم دادگاه بیگانه وجود ندارد»^۱، اما این تبصره ناظر بر انتقال محکومان است و معنا و مفهوم آن این است که اگر در اجرای یکی از موافقتنامه‌های انتقال محکومان، یکی از اتباع ایران که در خارج از کشور به زندان محکوم شده است، برای اجرای مجازات خود به ایران تسلیم گردد، ولی مجازات مقرر به اجرا در نیاید، پس از انقضای مدت‌های مذکور، مجازات مشمول مرور زمان خواهد شد. البته بدیهی است که پذیرش مرور زمان در مورد احکام کیفری خارجی به معنای پذیرش مطلق اعتبار این احکام از سوی قانونگذار نیست، بلکه همان‌طور که متن ماده صراحت دارد در صورتی احکام دادگاه‌های بیگانه اعتبار خواهند داشت که مقررات یا معاهده‌ای (مانند معاهده انتقال محکومان) این احکام را معتبر شناخته و اجرای آن را در ایران پیش‌بینی نماید.

به هر حال، در بُعد داخلی، تدوین و تصویب لایحه خاصی به نام «انتقال موردی محکومان به حبس» اولین تجربه قانونگذاری در این خصوص محسوب می‌شود. مقدمه توجیهی این لایحه که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۱ هیأت وزیران به تصویب رسیده است، هدف از ارائه لایحه مذکور را چنین دانسته است: «اهتمام جمهوری اسلامی ایران به حفظ کرامت انسانی و حقوق شهروندی، مصرح در اصول ۱۹-۴۳ قانون اساسی و با تمسک به اصل ۱۱۳ آن در خصوص مسؤلیت قوه مجریه نسبت به این مهم و با عنایت به ضرورت بهره‌مندی اتباع ایرانی محکوم به حبس در خارج از کشور از تسهیلات رفاهی و عاطفی پیش‌بینی شده در حقوق داخلی و به‌منظور خدمت‌رسانی به این دسته از زندانیان و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقدان سرپرست برخی از خانواده‌های ایرانی و تحکیم و دفاع از کیان خانواده.»

اما متعاقباً، تهیه و تقدیم لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی به مجلس — که پیشتر به آن اشاره شد — موجب پایان یافتن بررسی لایحه مذکور در مجلس شورای اسلامی گردید. در مقدمه توجیهی لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی و در مبحث مربوط به ضرورت و اهداف تدوین چنین آمده است: «با توجه به مشکلاتی نظیر فقدان رویه واحد در انعقاد و متن معاهدات دوجانبه همکاری‌های بین‌المللی، نقص قوانین و مقررات موجود به‌ویژه در حوزه انتقال محکومین، معاضدت قضایی کیفری، فقدان ساختار و آیین دادرسی و رویه‌های اداری یکسان در امر همکاری‌های قضایی بین‌المللی، وزارت دادگستری با همکاری اداره

۱. جلال‌الدین قیاسی، حمید دهقان و قدرت‌الله خسروشاهی، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، (قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰)، ۲۶۶.

کل تدوین لوایح و مقررات معاونت حقوقی قوه قضاییه جمهوری اسلامی از سال ۱۳۸۹ اقدام به تهیه و تدوین لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی را با اهداف زیر نموده است:

۱. به‌روز رسانی، یکپارچه‌سازی و بازنگری در قوانین و مقررات موجود؛
۲. رفع خلأهای موجود در قوانین؛
۳. اجرایی شدن برخی تعهدات دولت ایران بر اساس معاهدات بین‌المللی که مورد تصویب جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است؛
۴. همراهی با جامعه بین‌المللی در مبارزه و سرکوب برخی جرایم فراملی؛
۵. فراهم نمودن امکان حمایت از اتباع ایرانی؛
۶. پیشگیری از مداخلات سیاسی بین‌المللی در امور قضایی فراملی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران؛
۷. اعطای صلاحیت به دادگاه‌های داخلی؛
۸. آمادگی مقابله با تحولات آینده.

این لایحه حاوی بخش‌هایی در خصوص استرداد مجرمین، معاضدت قضایی در امور کیفری و انتقال محکومان به حبس و مشتمل بر ۹۳ ماده بوده و در صورت تصویب، ناسخ قانون تعاون قضایی مصوب ۱۳۰۹، قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران مصوب ۱۳۱۳/۵/۱۷ و قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ است. برخی شرایط انتقال محکومان وفق معاهدات و توافقاتنامه‌های موجود از جمله کنوانسیون اروپایی انتقال محکومان^۱ و معاهدات انتقال محکومان ایران و لوایح موجود عبارت‌اند از:

۱. محکوم‌علیه از اتباع دولت اجرا کننده حکم باشد؛
 ۲. حکم صادره قطعی باشد؛
 ۳. حداقل شش ماه از مدت مجازات قابل اجرا باقی مانده باشد؛
 ۴. اعمال ارتكابی وفق قوانین دولت اجراکننده جرم باشد (شرط مجرمیت متقابل)؛
 ۵. محکوم‌علیه با انتقال خود موافق باشد.
- با این حال اجرای مجازات سالب آزادی تنها از طریق انتقال محکومان صورت نمی‌پذیرد. کنوانسیون اعتبار بین‌المللی احکام کیفری خارجی مصوب ۱۹۷۰ در لایحه^۲ اجرای مجازات حبس را هم در موارد انتقال و هم در موارد عدم نیاز به آن پیش‌بینی نموده است. اجرای

1. Convention on the Transfer of Sentenced Persons, Concluded at Strasbourg on 21 March 1983.

2. International Validity of Criminal Judgments, Hague, 28 May 1970.

شورای اروپا در سال ۱۹۷۰، معاهده‌ای به نام کنوانسیون اعتبار بین‌المللی احکام کیفری را در لایحه تهیه و تنظیم نمود. این معاهده، از معدود معاهداتی است که همکاری در خصوص اجرای احکام کیفری بیگانه را در میان اعضای خود پیش‌بینی کرده است. این کنوانسیون در حال حاضر (دی‌ماه ۱۳۹۲) ۲۸ عضو دارد.

این شیوه هزینه کمتری را به دنبال داشته و به دلیل حضور محکوم در کشور اجراکننده — که می‌تواند محل اقامت یا کشور متبوع او باشد — از تشریفات کمتری نیز برخوردار است. مجلس ایران با وجود پذیرش اعتبار حکم کیفری بیگانه در قالب معاهدات انتقال محکومان، تاکنون اقدام به تصویب قانون یا معاهده‌ای کلی در مورد اجرای حکم مجازات صادر شده از سوی دادگاه‌های خارجی ننموده است. نظر به اینکه در فرض حضور محکوم علیه در قلمروی کشورمان، ایران ممکن است، به‌رغم تلاش جامعه جهانی برای جلوگیری از بی‌کیفر ماندن برخی مجرمان، از استرداد وی جهت اجرای محکومیت خودداری نماید (مثلاً بر اساس قاعده منع استرداد اتباع) و خود نیز به محاکمه و مجازات وی اقدام ننماید (در فرض پذیرش قاعده منع محاکمه مجدد)، پیش‌بینی راهکار مقتضی ضرورت دارد. با توجه به اینکه تنها وجه افتراق این نحوه از اجرای مجازات با انتقال محکومان، حضور یا عدم حضور محکوم علیه در قلمروی کشور ایران است، در این خصوص نیز توسل به مفهوم مصلحت می‌تواند در تأیید مصوبات ذی‌ربط چاره‌ساز باشد.

بند دوم — اجرای مجازات‌های غیر سالب آزادی

اجرای مجازات مقرر در حکم کیفری بیگانه منحصر به مجازات‌های سالب آزادی نیست. سایر مجازات‌ها از قبیل جزای نقدی، ضبط و مصادره اموال و انفصال نیز در صورت حصول شرایط خود، امکان اجرا در کشور دیگر را دارند. ماهیت خاص این مجازات‌ها موجب شده تا در اجرای آنها نیازی به حضور محکوم در قلمروی کشور اجراکننده احساس نشود و انتقال محکوم علیه نیز ضرورتی نداشته باشد. به‌عنوان مثال، در صورتی که تقاضای اجرای مجازات جزای نقدی یا ضبط اموال، مورد موافقت کشوری قرار گیرد، به این مفهوم است که این کشور با در اختیار داشتن اموال محکوم علیه جهت توقیف و ضبط، امکان اجرای مجازات وی را دارد. ماهیت مجازات‌هایی از این قبیل موجب شده است تا اجرای آنها در برخی معاهدات منعقد شده توسط دولت ایران پیش‌بینی شود و گاه حتی با ایراد شورای نگهبان نیز مواجه نگردد. به‌عنوان نمونه ماده ۲ قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آفریقای جنوبی — که بدون طرح ایراد از سوی شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۶/۰۱/۰۲۸ به تصویب و سپس به تأیید رسید — مقرر می‌دارد: «معاضدت دوجانبه شامل موارد زیر خواهد بود: ... ح — اجرای مجازات نقدی و ...» بر اساس ماده ۳ قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی دوجانبه در موضوع‌های کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۳۰ یکی از موارد همکاری بین دو دولت ضبط منافع ناشی از فعالیت‌های مجرمانه و ابزار جرم است.

همچنین ماده ۳۰ قانون موافقتنامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان مصوب ۱۳۸۶/۰۱/۲۸ در خصوص منافع حاصل از ارتکاب جرم چنین مقرر می‌دارد: «طرفین متعاقد در کشف، ضبط و مصادره عایدات حاصل از ارتکاب جرم همدیگر را یاری خواهند داد. به منظور تحقق اهداف این معاهده، منافع حاصل از ارتکاب جرم عبارت است از هر گونه مال یا ارزش مالی مشکوک که به تشخیص دادگاه به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شود.»

البته همان‌گونه که مشاهده می‌شود موضوع‌های همکاری در این موافقتنامه‌ها — و برخی موافقتنامه‌های دیگر — بعضاً مربوط به جنبه مالی حکم کیفری بیگانه است؛ اما «اجرای مجازات نقدی» که در موافقتنامه اول میان ایران و آفریقای جنوبی مقرر گردیده، به‌واقع اجرای یک حکم کیفری بیگانه تلقی می‌شود. همچنین باید اضافه نمود که در لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی نیز که قبلاً مورد اشاره قرار گرفت، «وصول جزای نقدی» به‌عنوان یکی از موارد معاضدت قضایی در امور کیفری مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

گفتار دوم - اجرای سایر تدابیر مقرر در حکم

حکم کیفری در معنای عام می‌تواند دربرگیرنده ضمانت اجرای کیفری (مجازات) و یا تدابیر دیگری باشد که به اقتضای شرایط در خصوص مورد توسط قاضی مقرر می‌گردد؛ با این توضیح که اجرای مجازات صادره از دادگاه‌های بیگانه در مواردی (به صورت موقت و تحت شرایطی) معلق می‌گردد و یا اجرای مجازات حبس با لحاظ شرایطی متوقف می‌شود. در این صورت همکاری بین دولت‌ها به صورت اجرای شرایط مقرر در حکم خواهد بود، تا زمانی که نقض این شرایط به اجرای مجازات مقرر بینجامد یا اجرای بی‌نقص آن، مجازات و آثار آن را به صورت کامل منتفی نماید.

امروزه نهادهایی مانند آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات و همچنین تدابیر جایگزین مجازات حبس، به‌عنوان ابزارهای فردی کردن مجازات در نظام‌های کیفری شناخته می‌شوند که نه تنها به کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها کمک می‌کنند؛ بلکه با آزادی موقت و مشروط محکوم‌علیه، مقدمات حضور وی در اجتماع را نیز فراهم می‌سازند. معمولاً این ابزارها در خصوص اتباع یک کشور اعمال می‌شوند و نظام قضایی رغبتی به اعمال و اجرای این نهادها در خصوص اتباع بیگانه ندارد. در نتیجه حتی اگر محکومان خارجی شرایط برخورداری از نهادهای این‌چنینی را داشته باشند، ترجیحاً تا پایان مدت حبس، در زندان نگهداری می‌شوند تا این اطمینان حاصل شود که به محض آزادی به کشور متبوع خود بازگردانده می‌شوند و مجدداً در کشور صادرکننده حکم، مرتکب جرم نخواهند شد، لذا تصویب معاهداتی در این

خصوص، بهترین راه برای تشویق دادگاه‌ها به اعمال نهادهای مذکور در مورد خارجی‌ان است. اگر امکان نظارت بر رعایت شرایط لازم در کشور متبوع یا محل اقامت دائم محکوم‌علیه وجود داشته باشد، دادگاه‌ها نیز در این گونه موارد با رغبت بیشتری حکم صادر خواهند نمود. کنوانسیون اروپایی مراقبت از محکومان یا آزادشدگان مشروط مصوب ۱۹۶۴^۱ از جمله معاهداتی است که در این خصوص منعقد گردیده است. مبنا و فلسفه تدوین این کنوانسیون چنین بیان شده است: ۱. تذکر این اصل که حقوق کیفری یک کشور، حکم صادر شده در یک کشور خارجی را با توجه به اینکه مقامات این کشور در اجرای آن مشارکت خواهند داشت؛ نادیده نخواهد گرفت. ۲. کنوانسیون بین دادخواهان نوعی برابری برقرار می‌کند، به این شرح که آنان اعم از اینکه تبعه یا بیگانه باشند، به گونه‌ای یکسان از فنون تفرید مجازات برخوردار می‌شوند.^۲

دولت ایران تاکنون در خصوص اجرای تدابیر مورد بحث که ضمن حکم کیفری خارجی مقرر شده باشند، موافقتنامه‌ای به تصویب نرسانده است.

مبحث دوم - شناسایی آثار ناشی از حکم

هنگامی که صحبت از حکم کیفری خارجی و اعتبار آن می‌شود، تنها اجرای مجازات یا نظارت بر اجرای تدابیر و شرایط مقرر در حکم مدنظر نیست، بلکه اعتباربخشی به آثار حکم کیفری خارجی نیز جنبه دیگر آن است. قبول آثار حکم کیفری بیگانه نیز با همان موانع و محذورات اجرای مفاد آن همراه است. به دیگر سخن، در ایران نیز اصل بر عدم شناسایی آثار احکام کیفری بیگانه است و خلاف آن امری استثنایی و نیازمند تصریح قانونگذار است. بنابراین در کشور ما نیز اصولاً تشکیل سابقه کیفری و محرومیت‌های ناشی از آن در صورتی است که مبتنی بر حکم دادگاه ایرانی باشد و احکام کیفری خارجی در این زمینه فاقد اثر تلقی می‌شوند. آثار مورد بحث یا آثار مستقیم و بلاواسطه اجرای حکم یا آثار غیرمستقیم و با واسطه آن هستند.

گفتار اول - آثار مستقیم یا بلاواسطه

اثر مستقیم مترتب بر محکومیت‌های کیفری، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و سیاسی در قالب مجازات‌های تبعی است. مقررات داخلی هر کشور مصادیق این محرومیت‌ها را به‌عنوان

1. European Convention on the Supervision of Conditionally Sentenced or Conditionally Released Offenders, 30 November 1964.

۲. ژان پرادل و گرت کورستنز. حقوق کیفری اروپای ی. ترجمه محمد آشوری (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶)، ۱۲۷.

آثار محکومیت‌های کیفری قطعی (مجازات‌های تبعی) تعیین می‌نماید. ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به محرومیت‌های اجتماعی ناشی از برخی احکام محکومیت قطعی اشاره دارد. احکام محکومیت قطعی مورد نظر این ماده نیز احکام صادره از دادگاه‌های ایرانی است و اصولاً احکام دادگاه‌های بیگانه دارای اثر سرزمینی بوده و در کشور ما موجد آثار تبعی نیستند. معمولاً سرزمینی بودن آثار احکام کیفری نیز بر پایه اصل حاکمیت ملی توجیه می‌شود.

یکی از نتایج به رسمیت شناختن حکم کیفری بیگانه، شناسایی آثار مستقیم ناشی از این احکام بر اساس مقررات کشور شناسایی کننده است، به نحوی که گویی حکم مذکور در این کشور صادر شده است. به عنوان مثال چنانچه حکم کیفری بیگانه از سوی ایران مورد شناسایی قرار گیرد، فرض می‌شود که حکم مزبور از دادگاه‌های ایران صادر شده و آثار مندرج در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی نیز بر آن مترتب می‌گردد.

با وجود اصل کلی عدم شناسایی آثار مستقیم یا بلاواسطه احکام دادگاه‌های بیگانه در ایران، قبول استثنایی این آثار در کشورمان را در برخی قوانین خاص مشاهده می‌کنیم. مثلاً به موجب ماده ۶۴ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۵۰/۳/۳۰: «اشخاصی که در ایران یا در خارجه به علت ارتکاب جنایت یا دزدی یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا صدور چک بی‌محل یا اختلاس یا معاونت در یکی از جرایم فوق محکوم شده باشند و ورشکستگان به تقصیر نمی‌توانند جزو مؤسسون یا مدیران مؤسسات بیمه باشند. همچنین واگذاری نمایندگی به این اشخاص و اشتغال به دلالتی از طرف آنها ممنوع است.»

همچنین، بر طبق بند (الف) ماده ۳۵ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «محکومین به سرقت، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جعل و تزویر، صدور چک بی‌محل و ورشکستگی به تقصیر یا تقلب اعم از اینکه حکم از دادگاه‌های داخلی یا خارج کشور صادر شده باشد یا محکوم مجرم اصلی یا شریک یا معاون جرم بوده باشد از تصدی اداره امور بانک‌ها به هر عنوان ممنوع می‌باشند.»

گفتار دوم - آثار غیرمستقیم یا باواسطه

یکی از آثار غیرمستقیم احکام کیفری قطعی، اثری است که این احکام در تشدید وضعیت محکوم علیه در صورت ارتکاب جرمی در آینده برای وی به دنبال دارند. معتبر شناختن رأی دادگاه کیفری بیگانه، به معنای قبول وجود سابقه محکومیت کیفری برای شخصی است که ممکن است به جهت ارتکاب جرم دیگری مورد محاکمه قرار گیرد. وجود سابقه کیفری در قوانین داخلی اکثر کشورها، موجب تشدید مجازات جرم جدید فرد مورد محاکمه یا مانع

استفاده او از تخفیفات مقرر قانونی، از جمله تعلیق و آزادی مشروط است. این مسأله منطبق با عدالت و انصاف قضایی است، زیرا قاضی رسیدگی کننده باید با آگاهی از سوابق متهم اقدام به صدور رأی نماید و از اینکه شخص متهم که در برابر او ایستاده است، برای بار اول مرتکب جرم نشده، اطلاع داشته باشد.

در اینجا نیز اصل عدم شناسایی این آثار در ایران برای احکام دادگاه‌های بیگانه است. با این حال، در معاهدات مربوط به معاضدت قضایی در امور کیفری میان ایران و دیگر کشورها، یکی از موارد همکاری این است که طرفین اطلاعات مربوط به سوابق محکومیت افراد تحت رسیدگی یا احکام قطعی در مورد اتباع طرف مقابل را در اختیار یکدیگر قرار دهند. به عنوان مثال ماده ۵۲ قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوع‌های مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان مصوب ۱۳۸۵/۰۹/۲۵، در خصوص اطلاعات مربوط به سابقه محکومیت افراد چنین مقرر می‌دارد: «طرف‌های متعاقد حسب درخواست، آراء مربوط به افراد محکوم به موجب رسیدگی‌های کیفری در قلمرو طرف متعاقد تقاضاکننده را به یکدیگر اطلاع خواهند داد.» همچنین ماده ۵۳ این موافقتنامه، در خصوص احکام قطعی دادگاه‌ها بیان می‌دارد: «طرف‌های متعاقد همه ساله یکدیگر را از احکام قطعیت یافته یک طرف متعاقد، در مورد اتباع طرف متعاقد دیگر، مطلع خواهند ساخت.» جز این نیست که لزوم این اطلاع‌رسانی با هدف مدنظر قرارداد حکم کیفری صادره در کشور متعاقد در روند رسیدگی به اتهام جدید در طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود. دیگر اثر غیرمستقیم حکم کیفری بیگانه را می‌توان پذیرش تقاضای استرداد دانست. هدف از استرداد این است که افراد به دنبال ارتکاب جرم و با فرار از کشور محل ارتکاب، قادر به تعطیل کردن یا به تعویق انداختن محاکمه یا اجرای مجازات نباشند. استرداد به عنوان یکی از شیوه‌های معاضدت قضایی بین‌المللی در امور کیفری، جهت اجرا نیازمند انعقاد قراردادهای دو یا چندجانبه بین دولت‌ها یا وضع قوانین داخلی به منظور فراهم کردن زمینه استرداد در مواردی است که قراردادی فی مابین دو دولت تقاضاکننده استرداد و کشور طرف تقاضا وجود ندارد که اصولاً به شرط معامله متقابل صورت می‌گیرد.^۱ در این شیوه از همکاری کشور طرف تقاضا رأی صادره را اجرا نمی‌کند، اما محکوم را به کشور صادرکننده رأی بازمی‌گرداند تا مجازات مقرر در خصوص وی اجرا شود و به این گونه به صورت غیرمستقیم حکم کیفری بیگانه را مورد پذیرش قرار می‌دهد.

۱. مائده میرشمس شهشهانی. «استرداد: تحولات نوین و قانون راجع به استرداد مجرمین ایران.» در حقوق کیفری بین‌المللی (فرایند، نظریه‌ها و چشم‌اندازها)، مجموعه مقالات فارسی، انگلیسی و فرانسه (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰)، ۶۱۹.

قانون راجع به استرداد مجرمین جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴، در حال حاضر تنها مصوبه موجود در این خصوص، به غیر از معاهدات دوجانبه ایران با سایر کشورهاست. قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران مصوب ۱۷ مردادماه ۱۳۱۳ نیز دیگر مصوبه‌ای است که به این شیوه همکاری اشاراتی دارد. اگرچه بر اساس رویه سنتی در معاهدات استرداد، دولت ایران حاضر به استرداد اتباع خود نیست و همچنین در صورت داشتن صلاحیت سرزمینی، می‌تواند از همکاری در این زمینه خودداری کند، اما در مواردی که حاضر به استرداد محکوم‌علیه می‌شود، این به این معناست که حکم کیفری بیگانه را برای اجرا در خصوص وی پذیرفته است. مثلاً ممکن است که کشور اُکراین بر اساس معاهده خود با ایران تقاضا نماید تا فردی را که در کشور ایران اقامت دارد و در خصوص وی حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر گردیده است، برای اجرای حکم به دولت اُکراین تحویل دهد. در این صورت، موافقت دولت ایران با درخواست مزبور به معنای معتبر دانستن حکم کیفری دادگاه‌های این کشور خواهد بود.

نتیجه‌گیری

شناسایی اعتبار احکام کیفری بیگانه یکی از اشکال همکاری‌های کیفری بین‌المللی است که در قالب معاهدات میان دولت‌ها یا قوانین داخلی در زمینه‌هایی همچون انتقال محکومان، اجرای احکام کیفری، منع محاکمه مجدد، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین صورت می‌گیرد. هر یک از نهادهای مذکور آثار و شرایطی دارند که ممکن است در تعارض با اصول اساسی نظام‌های حقوقی مختلف قرار گیرند. با این حال ضرورت همکاری ایجاب می‌کند تا با انعطاف بخشیدن به قواعد خشک منبعث از حق حاکمیت — و به دلیل وجود مصلحت بالاتر — گام‌های مؤثری در زمینه شناسایی اعتبار احکام کیفری بیگانه برداشته شود.

در ایران، مانند بسیاری دیگر از کشورها، اصل شکل گرفته به نام اصل سرزمینی بودن آثار احکام کیفری دادگاه‌های بیگانه که خود بر پایه حق حاکمیت ملی توجیه گردیده، مانع شناسایی اعتبار احکام خارجی در کشور ماست. در عین حال، در این نظام حقوقی به دلیل تأثیرپذیری از فقه شیعه، برخی موانع شرعی نیز در این خصوص وجود دارد و از این رو گام‌های همکاری در این زمینه به آهستگی برداشته می‌شود. با این حال، در سال‌های اخیر، یکی از گام‌های برداشته شده در این مسیر، به اقتضای ضرورت و مصلحت، شناسایی اعتبار مثبت یا ایجابی احکام دادگاه کیفری بیگانه بوده است. تصویب معاهدات دوجانبه انتقال محکومان، به‌عنوان یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین معاهدات همکاری کیفری، به‌رغم تمامی محذورات شرعی که با آن مواجه بوده و هستیم، از اقدامات انجام گرفته در این خصوص

است که هم اجرای حکم بیگانه و هم شناسایی آثار آن را به دنبال دارد. به نظر می‌رسد که این اقدامات انگشت شمار را از آنجا که نشانه اعتماد به نظام حقوقی کشوری دیگر است، باید به فال نیک گرفت و امید داشت که کشورمان، از یک سو، در عرصه بین‌المللی فعال تر بوده و در حل معضلاتی همچون بزهکاری فراملی، مشارکت نماید و از سوی دیگر، با استفاده از سازوکارهای مشابه انتقال محکومان، در جهت حمایت از اتباع خود اهتمام بیشتری ورزد. در این راستا، چنانچه گاه عدول از احکام اولیه فقهی و توسل به احکام ثانویه و صدور حکم حکومتی ضرورت پیدا کند که نمونه‌هایی از آنها را در قالب مفهوم مصلحت در اقدامات مجمع تشخیص مصلحت نظام دیده‌ایم، زمینه‌های همکاری با دیگر کشورها در مبارزه با پدیده بزهکاری بیشتر فراهم می‌شود.

منابع

- آقاجانی، مهری. «شرایط و صفات قاضی از دیدگاه فقه اسلامی». فصلنامه ندای صادق ۱۰ (۱۳۷۷): ۲۲-۳۲.
۱. آل حبیب، اسحاق. دیوان کیفری بین‌المللی و جمهوری اسلامی ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.
 ۲. اسماعیلی، محسن و سیدمحمد مهدی غمامی. «مطالعه فقهی - حقوقی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی: بررسی تطبیقی در جمهوری اسلامی ایران». مجله حکومت اسلامی ۴ (۱۳۸۹): ۵-۲۶.
 ۳. بهزاد و کیل آباد، فرج. «حکم حکومتی و مبانی استنباط آن». مجله آموزه‌های فقهی ۲ (۱۳۸۸): ۴۵-۷۱.
 ۴. پرادل، ژان و گرت کورستنز. حقوق کیفری اروپایی. ترجمه محمد آشوری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
 ۵. خالقی، علی. «انتقال محکومان: تحولی بزرگ در شناسایی اعتبار احکام کیفری» در جستارهایی از حقوق جزای بین‌الملل، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۲.
 ۶. حر عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۷، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
 ۷. صابریان، علیرضا. «مصلحت و جایگاه آن در حکومت اسلامی». مجله فقه و مبانی حقوق ۸ (۱۳۸۶): ۸۷-۱۲۱.
 ۸. قیاسی، جلال‌الدین. حمید دهقان و قدرت‌الله خسروشاهی، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
 ۹. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، دوره هفتم، خرداد ۱۳۸۳ تا خرداد ۱۳۸۷. مرکز تحقیقات شورای نگهبان. زیر نظر غلامحسین الهام. تهران: معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹.
 ۱۰. مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی، دوره ششم، خرداد ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان. زیر نظر غلامحسین الهام. تهران: معاونت تدوین، تنقیح

و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۱.
 ۱۱. میرشمس شهشهبانی، مائده. «استرداد: تحولات نوین و قانون راجع به استرداد مجرمین ایران.» در حقوق کیفری بین‌المللی (فرایند، نظریه‌ها و چشم‌اندازها)، مجموعه مقالات فارسی، انگلیسی و فرانسه. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.

11. Bassiouni, M. Cherif. "Introduction to Recognition of Foreign Penal Judgments." in International Criminal Law. Volume 2: Multilateral and Bilateral Enforcement Mechanisms, Edited by M. Cherif Bassiouni, 3rd Ed, Martinus Nijhoff Publisher, (2008): 507-513.
12. Bouzat, Pierre. "Les effets internationaux de la sentence pénale." *Revue internationale de droit pénal* (1963): 92-105.
13. Claus Krieb, Bruce Broomhall, Flavia Lattanzi, Valeria Santori (Editors). The Rome Statute and Domestic Legal Orders, (Constitutional Issues, Cooperation and Enforcement), Vol. 2, Nomos Verlagsgesellschaft Publisher, Baden- Baden, 2005.
14. Koering-Joulin, Renée et Huet, André, "Effets en France des décisions répressives étrangères." *J. Cl. (Procédure pénale)*.
15. Levasseur, Georges et Decocq, André, "Jugement étranger, (matière pénale)." *Rép. int. Dalloz*.
16. Lombois, Claude, *Droit pénal international*, 2e éd., Paris, Dalloz, 1979.
17. Mc Clean, David. *International Cooperation in Civil and Criminal Matters*, Oxford University Press, 2002.
18. Rebut, Didier, *Droit pénal international*, Paris, Dalloz, 2012.
19. Stanislas Horvat (Editor), (2003), *Compatibility of National Legal Systems with the Statute of the Permanent International Criminal Court (ICC)*, Vol. 1 & 2: Sixteenth International Congress, Rome (Italy) 1-5 April 2003, Print house defense, Brussel.

Execution and recognition of foreign criminal judgments in Iran

Ali Khaleghi

(Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran)

Maedeh Mir Shams Shahshahani

(Ph.D student)

Abstract:

Recognition of foreign criminal judgment is one of the methods of international criminal cooperation. This method can be applied through extradition, transfer of prisoners, execution of the sentences and cooperation in criminal matters conventions. The recognition of foreign criminal judgment had faced some challenges and restrictions from beginning, and in Iran there are some religious restrictions, as well.

In this paper, the basis and one of the aspects of the recognition of the foreign criminal judgments, that is, enforcement of foreign criminal judgments and acceptance of their effects, and its importance in Iran legal system will be discussed. It will be mentioned that, in this regard, foreign criminal judgments are recognized in individual cases, and when the recognition is required and useful for Islamic republic of Iran.

Key Words:

Validity of Foreign Judgments, Execution of Foreign Sentences, Effects of Foreign Judgments, Transfer of Prisoners, Extradition, International Cooperation.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. I, No. 2

2013-2

- **The contexts of penal instrumentalism**

Mohammad jafar Habibzadeh - Hamed Rahmanian

- **Execution and recognition of foreign criminal judgments in Iran**

Ali Khaleghi - Maedeh Mir Shams Shahshahani

- **Threat to non-cooperation with the ICC and Vague Future of Criminal Justice in the Africa**

S. Ghassem Zamani

- **Criminal Liability of Governmental Legal Persons in Iran Legal system**

Ghassem Mohammadi - Alireza Khanizadeh

- **Penal and civil effects of intervention in bankrupt trader assets**

Hossein Simaei Sarraf - Mohammad khalil Salehi.

- **The effect of custom on mental element of crime and factors of criminal responsibility deterioration**

Mohsen Borhani - Atieh Parsaeian



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study